

ملاحظات حقوقی تأسیس بانک های اطلاعاتی ژنتیکی جنایی در پرتو الزامات حقوق شهروندی

تاریخ دریافت: ۸۸۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۱۸

دکتر اکبر وروایی^۱

احمد فرهانی^۲

دکتر لیلا اعزازی اردی^۳

دکتر بختیار عباسلو^۴

چکیده

این مقاله به بررسی تأسیس بانک های اطلاعاتی ژنتیکی در سازمان های پلیس (با هدف ارتقای سطح علمی کشف جرایم و پیشگیری از تکرار جرم) و محدودیت هایی که در چهارچوب الزامات حقوق شهروندی می تواند مانع این امر شود، می پردازد. هدف از این تحقیق ارائه روش مناسب در تأسیس بانک های اطلاعات ژنتیکی در کشور است به گونه ای که کمترین محدودیت را در خصوص حقوق شهروندی افراد جامعه ایجاد کند. به این منظور، ضمن تشریح روش های مختلف تأسیس بانک های اطلاعات ژنتیکی در سازمان پلیس کشورهای مختلف جهان، مهم ترین جهات مغایرت اجرای هر یک از این روش ها با الزامات حقوق شهروندی به ویژه اصل برائت و حق حفظ حریم خصوصی افراد، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می دهد که در مجموع سه روش مختلف در تأسیس بانک های اطلاعاتی ژنتیکی جنایی در سطح کشورهای مختلف جهان وجود دارد که عبارت اند از:

(۱) اخذ آزمایش ژنتیکی از کل جمعیت و نگهداری آنالیز پروفایل دی ان ای تمام مدارک به دست آمده از کلیه صحنه های جرم؛

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی

۴- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی

۲) تحلیل دی ان ای نمونه های مربوط به مرتکبان فهرست خاصی از جرایم و نگهداری آنالیز پروفایل دی ان ای تمام مدارک به دست آمده از صحنه های جرم منطبق با فهرست جرایم خاص؛
 ۳) تحلیل اختصاصی موردی و نمونه گیری از افراد خاصی که به میزان قابل توجهی با جرم موضوع تحقیق ارتباط دارند و مقایسه با مدارک جمع آوری شده مرتبط با همان موارد خاص.
 با بررسی هر یک از روش های مذکور و جهات مغایرت آنها با الزامات حقوق شهروندی به ویژه اصل بنیادین برائت و حق حفظ حریم خصوصی افراد از یک سو، و همچنین کارآیی و سودمندی هر یک از این روش ها در ارتقای سطح عملکرد سازمان های پلیس در کشف جرایم و جلوگیری از تکرار جرم از سوی دیگر، می توان در مجموع اظهار داشت که روش دوم مناسب ترین روش و در عین حال کاربردی ترین روش در تأسیس بانک های اطلاعات ژنتیکی جنایی در کشور است.

کلیدواژه‌ها

پلیس / تحقیقات جنایی / اصل برائت / بانک های اطلاعاتی ژنتیکی جنایی / حقوق شهروندی / حریم خصوصی.

۱) مقدمه - طرح و بیان مسئله

پیشرفت های به دست آمده در زمینه فناوری DNA و کشف چندشکلی های آن، امکان ایجاد بانک های اطلاعاتی از DNA افراد به منظور انجام تحقیقات جنایی را فراهم کرده است تا با مقایسه تحلیلی DNA آثار به جا مانده در صحنه جرم (مانند خون، مو، بزاق، اسپرم، و) با نمونه های موجود در بانک اطلاعاتی، بتوان مجرم احتمالی را مشخص کرد.

برخی از کشورهای اروپایی اقدام به تهیه پیش نویس یا وضع قانون با هدف مشروعیت بخشیدن به ایجاد این بانک های اطلاعاتی کرده اند. در انگلستان اجرای چنین قانونی نسبت به سایر کشورهای اروپایی در ابعاد وسیع تر اعمال می شود و تحلیل DNA مرتکبان هر نوع جرم قابل ثبوتی می تواند در بانک اطلاعاتی ذخیره شود. به طوری که در طی پنج سال اول پس از تأسیس این بانک، قریب به دویست و شصت و سه هزار مورد اطلاعات در آن وارد شد و انتظار می رود که

در نهایت حاوی اطلاعات بیش از پنج میلیون نفر جمعیت باشد. در حالی که در کشورهای همچون هلند، آلمان، فرانسه و اتریش فقط مرتکبان جرایم خاص و شدید مشمول این قانون می‌شوند. در برخی دیگر از کشورهای اروپایی هنوز قانون خاصی در این مورد وجود ندارد، اما در بسیاری از آنها مانند اسپانیا، پرتغال و برخی از کشورهای اسکاندیناوی قوانین خاصی در این زمینه در دست بررسی است و احتمال تصویب قوانین مربوط به آن زیاد است. در ایالات متحده آمریکا نوع جرایمی که به طور قانونی باید در بانک اطلاعاتی ثبت شوند، حسب ایالت متفاوت است. در برخی ایالت‌ها جرایم و تخلفات زیادی مشمول قانون ثبت اطلاعات DNA مرتکبان آنها می‌شوند، اما در برخی دیگر از ایالت‌ها محدودیت بیشتری وجود دارد و فقط اطلاعات مربوط به جرایم شدید و جدی در بانک اطلاعاتی وارد می‌شود.

در کشور ما هنوز قوانین و مقررات خاصی در این زمینه وجود ندارد، در حالی که ایجاد چنین بانک‌های اطلاعاتی از سوی پلیس به منظور تسهیل در انجام تحقیقات جنایی در دست اقدام است. در گردآوری فایل همگانی از جمعیت، ملاحظاتی وجود دارد که باید در سیستم اجرا کننده در نظر گرفته شود. اولین مورد آن، هزینه اقتصادی و وقت قابل ملاحظه تهیه و ایجاد این گونه بانک‌های اطلاعاتی است که باید با در نظر گرفتن هزینه‌ها در مقایسه با منافع به دست آمده از ایجاد این بانک‌ها، دارای توجیه باشد.

البته باید در نظر گرفت که هزینه تحمیلی برای هر شخصی که اطلاعات وی وارد بانک اطلاعاتی می‌شود با فناوری جدید بسیار کاهش یافته، با این حال اجرای آن نیازمند یک سرمایه گذاری اولیه در زمینه تجهیزات و نیروی انسانی کارآمد است.

نکته دیگر، اجباری بودن انجام آنالیز است. این امر می‌تواند به این معنا باشد که افرادی که هیچ رابطه آشکار و قابل استنادی (حداقل در ابتدای امر) با یک عمل مجرمانه ندارند باید مورد نمونه‌گیری و آزمایش DNA قرار گیرند. تأسیس و راه‌اندازی بانک اطلاعاتی DNA از نظر حقوقی و اخلاقی با موانع و

محدودیت های مختلفی مواجه است که به هنگام تحلیل قواعد حقوقی حاکم بر موضوع آشکارتر می شود.

حقوق دانان فهرستی از مصادیق مختلفی از موضوعات مرتبط با حقوق شهروندی را که ممکن است در طی هر نوع تحقیق و بررسی مورد تعدی و تخطی قرار گیرند تهیه کرده اند. برخی از مهم ترین مصادیق حقوق یادشده عبارت است از: حق حفظ حریم خصوصی، شئون فردی و حیثیت اجتماعی، حق حفظ امنیت جسمی و روانی، حق سکوت، اصل برائت و حق آزادی. در این میان اصل برائت و حفظ حقوق مربوط به حریم خصوصی افراد از مهم ترین حقوق شهروندی به حساب می آیند که تشکیل بانک های اطلاعات ژنتیکی می تواند با این دو جنبه مهم از حقوق شهروندی در تعارض باشد. به همین دلیل در این نوشتار به بررسی محدودیت های اخلاقی و حقوقی پلیس در تشکیل بانک اطلاعات ژنتیکی در تعارض با اصل برائت و حفظ حریم خصوصی شهروندان می پردازیم.

۲) تشخیص هویت ژنتیکی و تشکیل بانک اطلاعات DNA^۱

اطلاعات وراثتی یا به عبارتی فرمول هر موجود در مولکول DNA که عمدتاً در داخل هسته هر سلول وجود دارد، قرار گرفته است و نسل به نسل به صورت نیمی از هر یک از والدین به تمام سلول های هسته دار منتقل می شود. این اطلاعات در هر گونه از موجودات زنده از نظر تعداد و محتوای کلی ثابت است و با بقیه انواع موجودات تفاوت دارد. محتوای این مولکول از اجزای ثابتی به نام نوکلئوتید تشکیل شده است که هر یک شامل یک مولکول قند ۵ کربنی به نام دزوکسی ریبوز، یک گروه فسفات و یکی از چهار نوع باز آلی آدنین (A)، سیتوزین (C) و گوانین (G) و تیمین (T) است. نوکلئوتید، واحد ساختمانی DNA است که به تعداد ۳ میلیارد، در هر یک از رشته های مولکول DNA سلول انسان وجود دارد و با توجه به ۲ رشته ای بودن مولکول، هر سلول انسانی حاوی ۳ میلیارد جفت نوکلئوتید است. کل مولکول DNA در

1- deoxy-ribo-nucleic-acid

مقطع خاصی از عمر سلول (هنگام تقسیم سلول) متراکم می‌شود و خود را به شکل کروموزوم‌ها نشان می‌دهد که تعداد آنها در هر گونه انحصاری و ثابت است. برای مثال در انسان، تعداد طبیعی کروموزوم‌ها ۴۶ عدد است که دو به دو با هم مشابه‌اند و فعالیت مشابهی انجام می‌دهند و ژن‌های مشابهی روی آنها قرار دارد و هر یک از این دو نسخه از یکی از والدین به ارث می‌رسد. به عبارتی، هر یک از والدین ۲۳ کروموزوم به فرزند خود منتقل می‌کند. ناگفته پیداست که ترتیب توالی نوکلئوتیدها در مولکول DNA می‌تواند حالت‌های مختلف نامحدودی ایجاد کند. از این روست که فرمول ژنتیکی هیچ دو فردی به جز دو قلوهای تک تخمکی یا همسان با هم مشابه نیست. این نکته اساس استفاده از DNA در تشخیص هویت افراد است. البته قسمتی از مولکول DNA در طول تاریخ تکامل در موجودات یک گونه و حتی در گونه‌های مختلف مشابه است، ولی بخش‌هایی از مولکول، از نظر توالی در بین افراد به شدت متغیر است که عمده تکیه تکنیک‌های تشخیص هویت بر این بخش‌هاست و عمدتاً ازدو گروه از این توالی‌ها به نام‌های VNTR¹ و STR² استفاده می‌شود. این دو گروه از توالی‌های بسیار متغیر، هم از نظر ترتیب قرارگیری نوکلئوتیدها تنوع دارند و هم از نظر تعداد دفعات تکرار این توالی‌ها در دنبال هم برای مثال می‌توان یک توالی به شکل CTTUAT را در نظر گرفت که ۳۰۰ بار پشت سرهم در نقطه‌ای از مولکول DNA مثلاً روی کروموزوم ۶ تکرار شود و این ویژگی خاص همین فرد است و می‌توان آن را در یکی از والدین وی در همان محل کروموزومی پیدا کرد.

توالی مشابهی را با تعداد متفاوت می‌توان در همین نقطه روی کروموزوم مشابه فرد یافت که عیناً در والد دیگر وی یافت می‌شود (چارلز، سوانسون،

1- VNTRs : Variable Number Tandem Repeats

تکرارهای پشت سر هم با تعداد متغیر

2- STRs : Short Tandem Repeats

تکرارهای کوتاه با تعداد متغیر

نیل لی چاپلین، لئونارد ترمی تو، (۱۳۸۱: ۵۱۸ به بعد). معمولاً این توالی ها مربوط به ژن خاصی نیستند و در سراسر ژنوم^۱ به صورت پراکنده وجود دارند. بررسی و تحلیل ژن ها به نوعی پیش گویی وضعیت سلامتی فرد است. برای مثال در مورد بیماری هایی که ظهور دیرهنگام و شاید در سنین میانسالی داشته باشند، دانستن اینکه فردی ژن بیماری خاصی را داراست، می تواند پیشگویی ابتلای فرد به آن بیماری باشد. بنابراین باید اطلاعات ژنتیکی افراد را محرمانه تلقی کرد. از این روست که در بررسی های تشخیص هویت، فقط باید قسمت هایی از مولکول DNA را مورد بررسی قرار داد که از نظر اطلاعات ژنتیکی خنثی باشد، مانند STR و VNTR ها. از سوی دیگر با داشتن حتی قطره ای از خون یا بزاق یا تار مویی مربوط به هزاران سال قبل می توان بررسی های ژنتیکی را روی DNA افراد انجام داد. بررسی های استاندارد تشخیص هویت روی ۱۳ نقطه از کل مولکول DNA که حاوی VNTR و STR هاست به نام CODIS انجام می شود و اطلاعات آن مورد استفاده قرار می گیرد. لذا در بررسی های تشخیص هویت به جز اطلاعات مربوط به CODIS باید باقی اطلاعات ژنتیکی و به ویژه نمونه مورد بررسی را معدوم نمود تا امکان سوء استفاده اشخاص حقیقی یا حقوقی ناصالح منتفی شود.

۳) حقوق شهروندی و پلیس

۳-۱) حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از ترکیب دو واژه حقوق و شهروندی ساخته شده است که برای ارائه تعریفی جامع و مانع از این اصطلاح ناگزیر به ارایه تعریفی از هر یک از اجزای این اصطلاحیم. در زبان فارسی، واژه حقوق دارای معانی گوناگونی است. از جمله حقوق جمع کلمه حق است و حق عبارت است از آن اختیارات، توانایی ها، امتیازات و قابلیت هایی که به موجب قانون و به منظور تنظیم روابط مردم و حفظ

۱- دسته ای کامل از ژن های هر سلول، اندامک، اندامگان یا موجود زنده را ژنوم می گویند.

نظم عمومی در جامعه برای اشخاص شناخته شده است. در این معنا حقوق معادل واژه انگلیسی Rights است و در اصطلاح مجموعه قواعدی است که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند حکومت می کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳). به تعبیر دیگر، حقوق مجموعه اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسان ها را با هم در حوزه حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حوزه حقوق عمومی و اساسی تنظیم می کند (عابد کفاشی اصل، ۱۳۸۷: ۳). شهروند اگرچه در فرهنگ های عمومی زبان فارسی مانند معین و عمید تعریف نشده، ولی با توجه به خاستگاه غربی واژه Citizen در فرهنگ های لغت دوزبانه شهروند به معانی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد، تعریف شده است (رضائی پور، ۱۳۸۵: ۱۰) و در یک تعریف ساده شهروند به تک تک افرادی که در یک جامعه یا کشور زندگی می کنند گفته می شود. در این تعریف، افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور و نیز افرادی که به عنوان تبعه در خارج از مرزهای آن کشور زندگی می کنند نیز شهروند به حساب می آیند. باید توجه داشت که برخلاف تابعیت که یک رابطه یک سویه بین افراد و دولت هاست، شهروندی رابطه ای چند سویه را بین دولت (حکومت)، جامعه و شهروندان تعریف می کند (عابد کفاشی اصل، همان). مرز حقوق شهروندی عبارت است از مجموعه حقوق و تکالیفی که برای اشخاص و اتباع یک کشور شناخته شده و تأمین و تضمین آنها در تعهد حکومت و دولت است. این مجموعه حقوق و تکالیف در زمینه های مختلف حقوق مدنی و حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی معنا پیدا می کند و مصادیق عدیده ای در حوزه های مختلف زندگی شهروندان را در بر می گیرد. به تعبیر دیگر، حقوق شهروندی به مجموعه ای از حقوق و امتیازاتی (وتعهداتی) گفته می شود که در نظام حقوقی یک کشور به شهروندان آن با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسان و منع تبعیض در جهت فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی آنها تعلق می گیرد (خلیل آفنداک، ۱۳۸۵: ۴۹).

۲-۳) الزامات پلیس در رعایت حقوق شهروندی

سازمان پلیس در هر کشوری نقش مهمی را در نگرهبانی از سلامت جامعه، حفظ نظم عمومی از طریق پیشگیری از وقوع جرم و کشف جرم ایفا می‌کند... برای امکان اجرای وظایف مهم پلیس در هر یک از دو حوزه پیشگیری و کشف جرم، در کلیه نظام‌های مختلف حقوقی، اختیارات خاصی به نیروهای پلیس داده شده است... هر چند اعطای این اختیارات به نوعی در جهت محدود کردن حقوق و آزادی‌های شهروندان قرار می‌گیرد، با این حال باید توجه داشت که این تحدید اندک حقوق شهروندی که جنبه استثنایی دارد به دلیل فراهم آوردن امکان حفظ حقوق شهروندی آحاد افراد جامعه و جلوگیری از تعدی و تجاوز به آزادی‌های قانونی و مشروع عموم افراد جامعه ضرورت دارد و بر همین اساس توجیه می‌شود. به عبارت دیگر، هر چند در یک قلمرو محدود، کارکرد سازمان پلیس به گونه‌ای در جهت تحدید حقوق شهروندی است، اما کارکرد سازمان پلیس در یک قلمرو خیلی وسیع‌تر، حمایت از حقوق شهروندی است. در این قلمرو وسیع، پلیس نقش حمایت‌کننده و تضمین‌کننده را در ارتباط با حقوق و آزادی‌های شهروندی دارد و سازمان پلیس باید از هرگونه نقض قوانین ناظر بر حقوق شهروندی جلوگیری کند.

هر چند کارکرد اصلی پلیس در حفظ حقوق شهروندی آحاد جامعه، توجیه‌کننده تحدید حقوق و آزادی‌های افراد در موارد خاص و استثنایی است، با این حال باید عملکرد سازمان پلیس به گونه‌ای باشد که به جز در موارد ضروری و آن هم به موجب قانون و مطابق شرایط مقرر قانونی از هرگونه تحدید حقوق شهروندی افراد جامعه خودداری کند، یعنی نباید از محدوده قانونی پارا فراتر بگذارند و بدون مجوز قانونی به هر بهانه‌ای به حریم حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان تجاوز کنند.

بنابراین می‌توان از الزامات پلیس در ارتباط با رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندی سخن به میان آورد که چهار چوب منشور اخلاق حرفه‌ای پلیس است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با مطالعه جایگاه عملکرد حرفه‌ای پلیس در

نظام‌های گوناگون حقوق شهروندی ملی (در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر) اصول کلیدی زیر را به عنوان خطوط راهنما برای تعیین نقش پلیس در تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر ترسیم می‌کند که برخی از این خطوط عبارت اند از:

۱. انجام وظایف طبق موازین قانونی؛
۲. احترام به کرامت انسانی و حقوق شهروندی کلیه افراد جامعه؛
۳. حفظ اسرار خصوصی افراد مگر آنکه اجرای وظیفه یا نیازهای نظام قضایی اقتضا کند.

علاوه بر این می‌توان به نظام‌نامه رفتار ضابطین دادگستری که در قطعنامه شماره ۱۶۹ / ۳۴ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹م تدوین شده است اشاره کرد. قابل ذکر است که این نظام‌نامه به صورت استانداردهای عرفی عملکرد حرفه‌ای نیروهای پلیس در تضمین رعایت حقوق شهروندی در اکثر نظام‌های حقوق داخلی کشور مورد توجه قرار گرفته و دولت وقت ایران نیز به آن رای مثبت داده است.

مطابق ماده ۲ این نظام‌نامه، ضابطین دادگستری در ایفای وظیفه خود باید به حیثیت انسانی کلیه اشخاص احترام بگذارند و آن را حفظ کنند و از حقوق انسانی کلیه اشخاص حمایت و پشتیبانی به عمل آورند. در همین خصوص، نظام‌نامه مقرر می‌دارد که حقوق انسانی مورد بحث در حقوق ملی و بین‌المللی مشخص و حمایت شده است که از بین اسناد بین‌المللی مربوط می‌توان به اسناد زیر اشاره کرد:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸م مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶م مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ۱۹۷۶م مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛

- اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز؛
- اعلامیه سازمان ملل متحد در باره کلیه اشکال تبعیض نژادی؛
- کنوانسیون بین المللی درباره حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۶م؛
- کنوانسیون بین المللی پیشگیری و مجازات جنایات کشتار دسته جمعی ۱۹۴۸ م.

۴) تعارضات تشکیل بانک های اطلاعات ژنتیکی با حقوق شهروندی

۴-۱) تعارض با اصل برائت

اصل برائت به عنوان یک اصل عقلی به تأیید شارع مقدس رسیده و بر اساس آن، اصل بر عدم مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص است. مطابق این اصل هرگونه تحمیل مسئولیت (مدنی یا کیفری) به عنوان یک امر خلاف اصل تلقی و امری استثنایی است و به همین دلیل نیاز به اثبات دارد. به دیگر سخن، نداشتن مسئولیت (کیفری) و بی گناهی افراد نسبت به هر گونه اتهام انتسابی به آنها مبتنی بر اصل برائت است و نیاز به هیچ گونه دلیل و مدرک دیگری ندارد. اصل برائت که از مظاهر مهم احترام به اصل کرامت انسان است، هم مبنای شرعی و هم مبنای عقلی دارد. در حقوق اسلام اصل برائت بر اساس آیات مختلف قرآن کریم، سیره معصومین (ع) و قواعد مختلف شرعی مورد پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه، خداوند متعال در آیه ۱۱۲ سوره نساء نسبت دادن اتهام به غیر مجرم را به عنوان «رمی بری» مورد نکوهش قرار داده و آن را گناهی آشکار بیان فرموده^۱ یا در آیه ۳۶ سوره اسراء مؤثر قرار دادن اتهاماتی را که هنوز با ادله قانونی اثبات نشده، مورد نکوهش و مؤاخذه قرار داده است.^۲ همچنین در آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات، مسلمانان از پیروی و داوری بر اساس گمان و ظن نهی شده اند.^۳ در روایتی از امام

۱- و من یکسب خطیته او اثمًا ثم یرم به بریئاً فقد احتمل بهتاناً و اثمًا مبیناً

۲- و لا تقف ما لیس لک به علم

۳- یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم...

علی (ع) آمده است که: «من کسی را به دلیل اتهام دستگیر نمی‌کنم و بر اساس گمان کسی را کیفر نمی‌کنم.»^۱ در روایات اسلامی هم موارد بسیار به اصل برائت اشاره دارد. برای نمونه «قاعده درء»^۲ یکی از قواعد اساسی نظام حقوق کیفری اسلام است.

در نظام حقوقی ایران نیز اصل برائت جایگاه ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که در قانون اساسی بر پذیرش این اصل در دادرسی‌های کیفری تصریح شده است. مطابق اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» اصل برائت در اسناد مختلف بین‌المللی نیز به صورت گسترده پذیرفته شده است. به موجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصربودن او طبق قانون محرز شود.» همچنین بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد بی‌گناه فرض شود، مگر آنکه طبق قانون در دادگاهی علنی که در آن کلیه ضمانت‌های لازم برای دفاع او در اختیارش باشد، مجرم شناخته شود.»

از آنجا که پلیس به عنوان اولین نهاد دستگاه عدالت کیفری در هر دو حوزه پیشگیری از جرم و همچنین کشف جرم ایفای وظیفه می‌کند، بنابراین نحوه عملکرد آن در این دو حوزه و میزان پایبندی آن به اصل راهبردی برائت، نقش بسیار مهمی در حاکمیت بخشیدن به فرض بی‌گناهی یا نقض آن در نظام حقوقی و قضایی کشور ایفا می‌کند.

از طرف دیگر، تشکیل بانک اطلاعات ژنتیکی برحسب گستره آن از لحاظ افراد تحت شمول می‌تواند در سطوح مختلفی با اصل بنیادین برائت مغایر باشد. فرض اول این است که اطلاعات ژنتیکی کل افراد جامعه در بانک‌های اطلاعات ژنتیکی اداره پلیس نگهداری شود. بی‌گمان این امر با فرض بی‌گناهی و مجرم نبودن کل

۴- انی لا آخذ علی التهمه د لا اعاقب علی الظن...

۵- ادراء والحدود بالشبهات

افراد جامعه به ویژه اکثر افراد جامعه که هیچ گونه سابقه ارتکاب جرم ندارند و احتمال ارتکاب جرم از سوی آنها در آینده نیز متصور نیست، مغایرت خواهد داشت. اما اگر افراد تحت شمول بانک های اطلاعات ژنتیکی را محدود به افرادی بدانیم که به عنوان متهم یا مظنون به گونه ای با سازمان پلیس یا دستگاه قضایی اصطکاک و برخورد داشته اند، در این صورت هر چند موارد نقض اصل برائت به دسته کوچکتی از افراد جامعه محدود می شود، اما باز نمی توان به سادگی از کنار این حقیقت گذشت که صرف اصطکاک و برخورد شهروندان با دستگاه انتظامی یا قضایی کشور بتواند مجوزی برای نقض اصل برائت در خصوص این دسته از شهروندان شود. به علاوه این احتمال وجود دارد که هر لحظه هر یک از افراد جامعه به گونه ای در مظان اتهام قرار گیرد و بنابراین به سادگی به عنوان مظنون یا متهم وارد فرایند رسیدگی کیفری شود، اما پس از رسیدگی در مراحل اولیه تحقیقات پلیسی یا تحقیقات دادرسی و حداکثر در مراحل دادرسی در دادگاه، بی گناهی این افراد ثابت شود. بنابراین دلیلی برای پذیرش اخذ آزمایش و تشخیص هویت ژنتیکی از این افراد وجود ندارد؛ و بالاخره حتی محدود کردن تشکیل بانک اطلاعات ژنتیکی به آن دسته از شهروندانی که سابقه ارتکاب جرم دارند، هر چند این امر با هدف جلوگیری از تکرار جرم تا حدودی توجیه پذیر خواهد بود، با این حال حتی تشکیل بانک اطلاعات ژنتیکی در خصوص این افراد دارای سابقه ارتکاب جرم به علت آنکه نگاه به گذشته دارد و نگاه اصل برائت به آینده است، مغایرت این امر با اصل برائت، مجدداً و با همان قوت مطرح خواهد شد.

۲-۴) تعارض با حریم خصوصی شهروندان

حق حفظ حریم خصوصی در قانون اساسی بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران که نظام حقوقی آن ملهم از تعالیم اسلامی و تأکیدات فراوان آن بر لزوم رعایت حرمت و کرامت انسانی و حقوق مردم است، مورد تأیید و تصریح قرار گرفته است. مطالعه و تأمل در منابع اسلامی بیانگر این نکته است که انسان از چنان شأن و منزلت بسیار والایی برخوردار است که خداوند هدف از خلقت او را

برای خلیفه الهی و جانشینی خود در زمین معرفی می کند (اَنی جاعل فی الأرض خلیفه...-بقره ۳۰) و کرامت و شخصیت والای او را مورد عنایت قرار می دهد و بر آن تأکید می دارد (لقد کرّمنا بنی آدم... اسری ۷۰) و حق حیات او را مساوی با حیات کل بشر می داند و مرگ بنا حق او را مرگ بشریت تلقی می کند (من قتل نفساً بغير نفس أو فساداً فی الأرض فکأنّما قتلَ الناسَ جمیعاً...مائده ۳۲) (زین العابدین زینالپور ۱۳۸۵: ۹۷) و هرگونه بدگمانی و قضاوت بر اساس حدس و ظن را در مورد او نهی می کند و تفحص و تجسس در امور شخصی و حریم خصوصی او را ممنوع می داند و مقرر می دارد که (یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا...واتقوا الله انه تواب رحیم.حجرات ۱۲). در روایات و سیره معصومین (ع) نیز سفارش بسیار در خصوص رعایت حقوق مردم بر پایه دیدگاه اسلامی بیان شده است، همچنان که امام علی (ع) در توصیه ای به مالک اشتر می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چو نان حیوان شکاری باشی که خوردنشان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته اند؛ یا برادر دینی تواند یا در آفرینش همانند تواند»^۱. لذا اصل بر ممنوعیت و حرمت تعرض به کرامت، حقوق و حریم خصوصی مردم است، مگر در موارد استثناء آن هم به قدر ضرورت. بنابراین می توان حریم خصوصی را به عنوان حوزه ای در نظر گرفت که در محدوده آن هرگونه دخالت و تجسس دیگران ممنوع است و می توان از آن جلوگیری کرد. به هر حال این ممانعت از دخالت و تجسس می تواند در به کارگیری اصل تناسب مقید شود، به این معنا که هرحق مستلزم رعایت حقوق دیگران است. با توجه به لزوم حفظ حقوق شهروندی، شئون فردی و حیثیت اجتماعی اشخاص، ضروری است که هرگونه اقدام تقنینی و وضع مقررات با هدف قانونمند ساختن بررسی های DNA با لحاظ کردن تمهیداتی در خصوص اخذ نمونه به دست افراد متخصص و با شرایطی که حفظ این حقوق را تضمین می کند، صورت پذیرد.

۱- واشعر قابک الرحمه للرعيه و لا تكوننّ علیهم سبعاًضارباً تغتم اکلهم فأَنهم صنفان: اما اخ لك فی الدين او نظیر لك فی الخلق.

هرقانونی درباره کاربرد آنالیز DNA باید اهمیت کاربرد این نوع شاخص های (مارکرهای) ژنتیکی را به لحاظ توانایی آگاهندگی و افشاکنندگی آن در نظر داشته باشد.

مطلب نگران کننده به ویژه در محدوده حفظ حریم خصوصی، توانایی آگاهندگی است که در آنالیز DNA وجود دارد، زیرا اطلاعات در مورد ژنوم هر فرد، خصوصی ترین توضیحات را در مورد بسیاری از عوامل درونی که در شکل گیری ماهیت هر فرد نقش دارد و همچنین وضعیت حال و سلامت وی در بردارد. برای نمونه، تقریباً چهار هزار بیماری به عنوان بیماری ارثی شناخته شده اند که می توانند در آنالیزهای انجام شده مشخص شوند. هنگامی که کسی زیر نظر آزمایش های ژنتیکی قرار می گیرد، حریم خصوصی شامل حق انتخاب در مورد اینکه آیا دیگران (مثل سازمان های بیمه گر، کارفرمایان، همسر و سایر خانواده) از جزئیات فرمول ژنتیکی وی آگاه شوند یا خیر و محرمانه بودن یعنی اینکه هرگونه اطلاعات در مورد فرد یا بیمار نباید بدون اجازه وی در اختیار دیگران قرار گیرد مگر ضرورت قانونی وجود داشته باشد (مثل بیمارهای مسری خاص)، مورد تعرض قرار می گیرد.

در مورد آزمایش های ژنتیکی، تساوی حقوق به معنای دسترسی برابر به مراقبت های پزشکی، اشتغال و بیمه بدون توجه به فرمول ژنتیکی فرد است. لذا قطعاً تهیه و تصویب مقرراتی خاص با توجه به تحقیقات جنایی مورد نیاز است و از همین رو فقط شاخص ها (مارکرها) یا محل هایی (لوکوس هایی) که المان های آن با هیچ یک از اطلاعات فنوتیپی (قابل تشخیص بالینی یا آزمایشگاهی) ارتباط ندارند استفاده می شوند و باید فقط دارای ارزش تشخیص هویت بدون هیچ گونه اطلاعات پزشکی باشند. استفاده از این چندشکلی ها (مارکرها) که در قسمت های غیر بیان شونده ژن ها یافت می شود، می تواند پاسخی برای بسیاری از انتقادات درباره با آنالیز DNA و یافت اطلاعات غیر تشخیص هویتی در موارد عدم استفاده از مارکرهای ژنتیکی مناسب باشد. به این طریق، بسیاری از مشکلاتی که از نگهداری اطلاعات ناشی می شود، می تواند مورد اجتناب قرار گیرد. با این حال در

برخی بانک‌های اطلاعاتی دنیا (مانند انگلستان و اتریش) نه تنها مارکرهای ژنتیکی نگهداری می‌شوند، بلکه حتی نمونه‌های DNA نیز ذخیره می‌شوند. در این موارد که نگهداری نمونه‌ها قطعی است اگر اطلاعات ژنتیکی در دسترس اشخاص ناصالح یا افراد سودجو قرار گیرد، اطلاعات پزشکی که به دنبال آنالیز DNA فراهم شده است می‌تواند به منظورهای کاملاً غیر مرتبط با تشخیص هویت مورد سوء استفاده واقع شود و باید برای مثال، تأثیرات آگاهی از چنین اطلاعاتی را در قراردادهای سیاست‌های استخدامی و بیمه‌ای در نظر داشته باشیم.

ضرورت رعایت حقوق شهروندی به ویژه حقوق مربوط به حریم خصوصی اشخاص در مقطع کشف جرم ایجاب می‌کند که از پیشرفت‌های علمی و فناوری به نحوی استفاده شود که حوزه حریم خصوصی اشخاص از هرگونه تعرض نابجا مصون باشد. بر این اساس به عنوان خط قرمز و مرز نهایی استفاده از علوم و فنون جرم‌یابی از جمله تشخیص هویت ژنتیکی، اصطکاک با حریم خصوصی شهروندان است. از آنجا که اطلاعات ژنتیکی داده‌های سرّی متنوع و فراوانی را در موضوعات مختلف از جمله سلامت جسمانی و روانی افراد و همچنین ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی و روحی آنها در بردارد، بنابراین تشکیل بانک‌های اطلاعات ژنتیکی درخصوص افراد جامعه به معنای دستیابی پلیس به حجم گسترده‌ای از اطلاعات کاملاً سرّی و شخصی شهروندان است که این امر به دلیل سوء استفاده‌های ناشی از افشای این اسرار به سختی می‌تواند در یک نظام حقوقی مبتنی بر رعایت حقوق شهروندی مورد پذیرش قرار گیرد.

تشکیل بانک اطلاعات ژنتیکی در هر گستره‌ای اعم از آنکه کل افراد جامعه یا مظنونان و متهمان و یا افراد دارای سابقه ارتکاب جرم را شامل شود، به دلیل وارد شدن پلیس به خصوصی‌ترین حوزه‌های زندگی افراد جامعه، تعارض مستقیمی با حفظ حقوق شهروندی شهروندان دارد و به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع حقوقی در این باره مطرح است.

لزوم رعایت حقوق مرتبط با حریم خصوصی افراد در اسناد و مقررات مختلف بین‌المللی بسیار تأکید شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸م در ماده ۳ خود

اعلام می‌دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد» و مطابق ماده ۱۲ همین اعلامیه «هیچ مورد از زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات افراد نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.»

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض از حمایت قانون برخوردار شود» در همین رابطه باید به اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره ۱۹۹۰ م اشاره کرد. که در ماده ۱۸ آن حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام را جزئی از دین اسلام دانسته است و مقرر می‌دارد: «هر انسانی حق دارد در امور زندگی خود استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت حمایت شود.» در قطعنامه کنگره بین‌المللی حقوق دانان در استکهلم نیز، مصادیق تعرض به حق خلوت افراد را بدین گونه برشمرده است:

- ۱) ملاحظه در زندگی داخلی و خانوادگی فرد؛
- ۲) تعرض به تمامیت جسمانی و روانی و نیز ایجاد محدودیت‌های اخلاقی؛
- ۳) تعرض به حیثیت، شرافت و شهرت افراد؛
- ۴) تفسیر مضر و نابجا از گفته‌ها و اعمال اشخاص؛
- ۵) افشای امور ناراحت‌کننده مربوط به زندگی خصوصی افراد؛
- ۶) استفاده از اسم، هویت و عکس شخص برای مصادیق تجاری، تبلیغاتی یا غیر آن؛
- ۷) اقدام به منظور جاسوسی کردن درباره اشخاص و تحت نظارت قراردادن و محدودیت ایجاد کردن برای آنان؛
- ۸) توقیف یا بازرسی مکاتبات او؛

۹) سوءاستفاده از مکاتبات کتبی یا شفاهی او؛
۱۰) افشای اطلاعات شخصی در نتیجه ارتباط حرفه ای که برخلاف قاعده حفظ اسرار شغلی و حرفه‌ای است (مصطفی زاده، 1385: 105).

همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تدوین خطوط راهنما برای تأمین نقش پلیس در تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان در خصوص لزوم حفظ اطلاعات شخصی محرمانه افراد و ضابطین دادگستری مقرر می‌دارد: موضوعاتی که ماهیت محرمانه دارند و در اختیار ضابطین دادگستری هستند، باید محرمانه نگه داشته شوند، مگر آنکه انجام وظیفه یا نیازهای قضایی صرفاً نحوه دیگری را اقتضا کند. همچنین در این خصوص آمده است که ضابطین دادگستری به خاطر ماهیت وظایف خود، ممکن است اطلاعاتی مربوط به زندگی خصوصی شهروندان یا اطلاعاتی بالقوه زیان بخش برای منافع و شهرت دیگران به دست آورند. لذا ضروری است که دقت فوق‌العاده در حفظ و استفاده از چنین اطلاعاتی که باید در حد ایفای وظیفه یا رفع نیاز دادگستری افشا شوند، اعمال گردد.» علاوه بر این تأکید شده است که هرگونه افشای چنین اطلاعاتی با هدف دیگر کاملاً نادرست است.

در بررسی تعارض یا عدم تعارض تشکیل بانک‌های اطلاعاتی ژنتیکی در ایران، علاوه بر اصول کلی قانون اساسی از جمله اصل ۲۲ که به صراحت حیثیت و جان و... اشخاص را و از جمله حریم خصوصی جسمانی و اطلاعات ناشی از آن را از هرگونه تعرض مصون می‌داند به مواد مندرج در طرح قانونی پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی با عنوان «طرح حمایت از حریم خصوصی» برای تبیین اهداف و دغدغه‌ها و اهتمام ارگان تقنینی به حفظ و حراست از حریم خصوصی آحاد ملت از هرگونه تعرض احتمالی و بیان و تشریح ابعاد موضوع اشاره می‌کنیم. گفتنی است که طرح مذکور شامل هشتاد ماده در قالب هفت فصل است. این طرح در واقع با عنایت به مفاد تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر و به دلیل فقدان قوانین و مقررات مشخص و جامع مربوط به حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی کشور، تهیه و تدوین شده است.

فصل اول این طرح قانونی، با عنوان تعاریف و کلیات، حریم خصوصی را این گونه تعریف می کند: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران، حریم خصوصی محسوب می شوند.» (ماده ۲ طرح قانونی پیشنهادی) چنانکه ملاحظه می شود مطابق تعریف فوق، اطلاعات شخصی جزئی از حریم خصوصی شهروندان به حساب می آید و بر همین اساس در ادامه، اطلاعات شخصی این گونه تعریف شده است: «اطلاعات شخصی اطلاعات وابسته به شخصیت افراد نظیر وضعیت زندگی خانوادگی، عادت های فردی، ناراحتی های جسمی و شماره کارت های اعتباری و شماره حساب های بانکی است.» علاوه بر این در طرح مذکور، اطلاعات شخصی حساس نیز تعریف شده است. مطابق بند ۵ ماده ۲ طرح «اطلاعات شخصی حساس، اطلاعات راجع به وضعیت زندگی جنسی، اعتقادات، عضویت در احزاب یا تشکل های صنفی و وضعیت نژادی، قومی و قبیله ای افراد است.»

پس از بیان تعاریف و کلیات در فصل اول طرح، هر یک از حوزه های مختلف حریم خصوصی در فصول بعدی مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. فصل پنجم طرح به بررسی حریم خصوصی اطلاعات اختصاص دارد.

بر اساس ماده ۲۸، کلیه مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می دهند نباید اطلاعات شخصی افراد را جمع آوری کنند، مگر اینکه آن اطلاعات برای انجام وظایف و فعالیت های قانونی سازمانی آنها به طور متعارف ضرورت داشته باشد و البته جمع آوری اطلاعات شخصی حساس تابع شرایط است مندرج در ماده ۳۹ که هرگونه جمع آوری اطلاعات شخصی حساس را مشروط به رعایت شروط زیر کرده است:

۱- آن افراد رضایت داده باشند.

- ۲- جمع‌آوری یا استفاده صریحاً طبق قانون مجاز باشد.
- ۳- جمع‌آوری یا استفاده به طور متعارف برای جلوگیری از یک تهدیدشدید قریب‌الوقوع نسبت به حیات یا سلامتی فرد و یا جامعه یا کاهش این تهدید ضروری باشد.
- ۴- جمع‌آوری یا استفاده برای تحقیق یا تحلیل آماری راجع به خدمات رفاهی یا آموزشی که از بودجه‌های دولتی استفاده می‌کنند ضروری باشد.
- ۵- اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط به اصل و نسب نژادی یا قومی فرد باشد و به منظور کمک به خدمات رفاهی و آموزشی برخوردار از هزینه‌های دولتی جمع‌آوری شده باشد.
- با عنایت به آنچه بیان شد و در صورت تصویب این طرح پیشنهادی، نیروی انتظامی در صورتی می‌تواند آزمایش تشخیص هویت ژنتیکی از اشخاص بگیرد که اولاً این اقدام برای اجرای مأموریت‌های این سازمان ضروری باشد و ثانیاً در خصوص اطلاعات ژنتیکی حساس افراد، کلیه شرایط مندرج در ماده ۳۹ طرح قانونی را رعایت کند. علاوه بر این به استناد ماده ۲۹ طرح مذکور، هنگام جمع‌آوری اطلاعات شخصی افراد، موارد زیر را کتباً به اطلاع آنان برساند:
- ۱- آزادی افراد در ارائه اطلاعات یا ملزم بودن قانونی آنان به ارائه آنها؛
 - ۲- هویت مؤسسه جمع‌آوری‌کننده اطلاعات و چگونگی تماس با آن؛
 - ۳- هر نوع قانونی که جمع‌آوری اطلاعات خاص را لازم می‌شمارد؛
 - ۴- امکان یا عدم امکان دسترسی خود فرد به اطلاعات جمع‌آوری شده؛
 - ۵- اهداف و مقاصدی که اطلاعات به خاطر آنها جمع‌آوری شده است؛
 - ۶- اشخاصی که مؤسسات مذکور اطلاعات را برای آنها افشا خواهند کرد؛
 - ۷- نتایجی که عدم ارائه اطلاعات ممکن است برای فرد داشته باشد.
- همچنین در صورت تصویب این طرح و در صورتی که سازمان نیروی انتظامی بخواهد اطلاعات ژنتیکی به‌دست‌آمده را در اختیار اشخاص دیگر اعم از حقیقی یا حقوقی قرار دهد، باید شرایط مندرج در ماده ۳۱ طرح را بدین شرح رعایت کند:
- ۱- طبق قانون استفاده یا در اختیار دیگران قرار دادن لازم یا مجاز باشد؛

۲- هدف ثانوی با هدف و قصد اولیه جمع آوری اطلاعات کاملاً مرتبط باشد؛

۳- افراد به استفاده از آن اطلاعات یا افشای آنها رضایت داده باشند.

پس از جمع آوری اطلاعات ژنتیکی نحوه نگهداری این اطلاعات در بانک های اطلاعاتی ژنتیکی پلیس نیز قابل طرح است که در این خصوص به نظر می رسد مفاد مواد ۳۳ و ۳۴ طرح پیشنهادی به نحوی مرتبط با این موضوع باشد. مطابق مواد مذکور پس از جمع آوری اطلاعات شخصی، مؤسسات باید برای حمایت از اطلاعات جمع آوری شده و به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از آنها، گم شدن آنها، دسترسی غیر مجاز به آنها و تغییر یا افشای آنها تدابیر ضروری اتخاذ کنند. همچنین باید صریحاً اصول حاکم بر مدیریت اطلاعات شخصی نظیر نوع اطلاعات شخصی که نگهداری می شود، مقاصد و اهدافی که اطلاعات به خاطر آنها نگهداری می شوند، چگونگی جمع آوری اطلاعات شخصی و نگهداری آنها و استفاده و در اختیار قرار دادن آنها در یک سند بیان و سند در اختیار افراد ذی نفع قرار داده شود. علاوه بر مباحث مطرح شده این موضوع هم قابل طرح است که چگونه خود افراد می توانند از اطلاعات ژنتیکی که در بانک اطلاعات پلیس نگهداری می شود استفاده کنند. در این خصوص نیز مفاد ماده ۳۵ طرح پیشنهادی قابل ذکر است که مقرر می دارد افرادی که اطلاعات شخصی آنها نگهداری می شود حق دسترسی به اطلاعات مذکور را به نحو منظور نظر خود دارند و مؤسسه مکلف به اجابت درخواست آنها است، مگر اینکه (۱) دسترسی به اطلاعات تهدید جدی و قریب الوقوع نسبت به حیات یا سلامتی افراد ایجاد کند؛ (۲) دسترسی به اطلاعات طبق قانون ممنوع باشد؛ و (۳) فراهم آوردن امکان دسترسی به ظن قوی به کشف، تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرایم و مجازات مجرمان لطمه بزند.

۵) بررسی روش های مختلف تأسیس بانک های اطلاعات ژنتیکی

در این جا، سه روش ممکن برای ایجاد بانک اطلاعاتی DNA معرفی و سپس مزایا و معایب هر یک بیان می شود:

الف) سیستمی بر مبنای انگشت نگاری DNA عادی از کل جمعیت و نگهداری آنالیز پروفایل DNA تمام مدارک به دست آمده از کلیه صحنه های جرم؛

ب) سیستمی بر مبنای تحلیل DNA نمونه‌های مربوط به مرتکبین و فهرست خاصی از جرایم و نگهداری آنالیز پروفایل DNA تمام مدارک به دست آمده از صحنه‌های جرم منطبق با فهرست جرایم خاص؛

ج) سیستمی بر مبنای تحلیل اختصاصی موردی و نمونه گیری از افراد خاصی که به میزان زیاد مشخص شده و با جرم موضوع تحقیق ارتباط دارند و مقایسه با مدارک جمع آوری شده در بررسی‌های مربوط به همان موارد خاص.

موضوعات اصلی مطروحه به هنگام بررسی مزایا و معایب این روش‌ها عبارت است از:

- چه افرادی در بانک اطلاعاتی وارد شوند؟
- اجازه برای اخذ استفاده از نمونه‌ها؛
- ارتباط فرد با جرم مورد بررسی؛
- مدت زمان نگهداری نتایج در بانک اطلاعاتی؛
- محتوای اطلاعاتی این دسته از تحلیل‌ها.

در اینجا به بررسی هر یک از روش‌های فوق می‌پردازیم.

الف) سیستمی بر مبنای انگشت نگاری DAN عادی از کل جمعیت و نگهداری آنالیز پروفایل DNA تمام مدارک به دست آمده از کلیه صحنه های جرم.

بیشترین کارایی در تحقیقات جنایی با انگشت‌نگاری ژنتیکی از بیشترین تعداد جمعیت ممکن، میسر است. روش انجام کار بدین صورت است که در صحنه جرم، آثار و بقایای انسانی یا مدارک بیولوژیکی که فرد متهم یا مجرم در صحنه جرم به جا گذاشته جمع آوری می‌شود و مورد آنالیز قرار می‌گیرد و از مقایسه این نمونه‌ها با نمونه‌های نگهداری شده در آزمایشگاه قانونی نتایج بسیار رضایت بخشی

در تحقیقات جنایی به دست می آید. اولین مانعی که هنگام تهیه یک بانک اطلاعاتی در سطح کل جمعیت با آن مواجه می شویم، حق حفظ آزادی های فردی و حریم خصوصی اشخاص است، که در این روش مورد بی توجهی قرار گرفته و بنابراین موجب تخطی به حق آزادی آنان و تعرض به حریم خصوصی آنان خواهد شد. در این مورد خاص، تناقضی بین اهداف و امیال نهاد مسئول و علایق عمومی و فردی و اختصاصی وجود دارد که کم و بیش در تمام سیستم های تحت مطالعه وجود دارد و این تداخلات سبب می شود که قوانین مختلف، ظاهر مختلفی براساس اولویت صاحبان علائق اتخاذ کنند. به نظر می رسد در مورد یک بانک اطلاعاتی جهانی، معایب تخطی از این حق، بسیار مهم تر از علائق جمعی است. با وجود این، نباید از مزایای یک بانک اطلاعاتی جهانی در مقایسه با موانع مذکور غافل شد. شایان توجه است که گذشته از ارزش تحقیقاتی چنین سیستمی، به ویژه در ارتباط با تحقیقات جنایی، ازدیدگاه اخلاقی، تساوی شهروندان باید یکی از شرایط انتخاب افراد برای اخذ نمونه باشد. به همین دلیل است که نهاد مسئول باید نمونه گیری را برای تمامی شهروندان اجباری کند و سپس خود، مسئول تضمین امنیت آن در تحقیقات جنایی باشد.

ب) سیستمی بر مبنای تحلیل DNA نمونه های مربوط به مرتکبین و فهرست خاصی از جرایم و نگهداری آنالیز پرو فایل DNA تمام مدارک به دست آمده از صحنه های جرم منطبق با فهرست جرایم خاص.

در نظام حقوقی بیشتر کشورهای اروپایی، ایجاد یک بانک اطلاعاتی شامل کل جمعیت با هدف نهایی تناسبی ندارد لذا اصل تناسب در معنای وسیع کلمه به عنوان یک قاعده کلی و در ارتباط با حقوقی که قانون گذار را وادار به تلاش برای ایجاد یک تعادل و جمع هنرمندانه بین حقوق به ظاهر متعارض عمومی و خصوصی می کند، تعریف می شود. در اجبار افراد برای انجام هر نوع آزمایش بدون هرگونه تبعیض، معمولاً تناسب در نظر گرفته نمی شود. با توجه به نظریه حقوق دانان آلمانی (در پذیرفتن سیستم اول) به عنوان اصل تناسب، وجود درجه خاصی از

ارتباط بین جرم تحت بررسی با فرد در نظر گرفته شده برای انجام آزمایش DNA یا سایر آزمایش های بدنی ضروری است. براساس این سیستم، بانک اطلاعاتی باید شامل نمونه های افرادی باشد که ارتباط نزدیکی با جرم خاص داشته باشند. به تعبیر دیگر، موارد مجاز اخذ آزمایش های DNA از نظر قانون یا طبق نظر مقام قضایی در هر مورد خاص باید دقیقاً مشخص شود. در مواردی که قانون انجام چنین آزمایش هایی را مجاز می داند، باید از یک سو درجه ارتباطی که فرد مورد نظر برای انجام آزمایش با جرم دارد مشخص شود و از سوی دیگر باید تصمیم گرفته شود که آیا فقط ظن پلیس به چنین فردی کفایت می کند یا باید پرونده قضایی مفتوح علیه فرد وجود داشته باشد. در مورد افراد زندانی، آیا کلیه زندانیان بدون توجه به جرایم ارتكابی باید مورد بررسی قرار گیرند یا فقط افرادی که مرتکب جرایم خاص شده اند. همچنین برای تمام کسانی که به دلیل ارتكاب جرایم خاص در حبس به سر می برند قانون باید مشخص کند که پس از پایان مدت محکومیت و تحمل حبس، تحلیل DNA به عنوان بخشی از بانک اطلاعاتی انجام شود یا خیر؟ علاوه بر این، باید تعیین تکلیف شود که آنالیز باید در مورد محکومان قطعی انجام شود یا می تواند پس از بازداشت نیز انجام شود.

امکان دیگر این است که قانون ایجاد بانک اطلاعاتی را به جای تهیه فهرستی از جرایم یا افرادی که باید موظف به ارائه نمونه شوند می تواند تشخیص و ضرورت اخذ نمونه آزمایش DNA از متهمان و مجرمان را بر عهده مقام قضایی قرار دهد به گونه ای که او باید ضرورت انجام این کار را تأیید کند. قاضی باید بررسی کند که آیا شخص به اندازه کافی با جرم ارتباط دارد و سپس به صراحت انجام آزمایش را از طریق صدور دستور قضایی مناسب، مجاز اعلام کند. مواد ۱۷۱ و ۱۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۸۷م پرتغال به این حکم پرداخته است که اگر فردی تلاش کند از بازداشت معاف شود یا از هر بررسی ظاهری ضروری ممانعت کند، مجبور است که این کار را با مجوز قضایی انجام دهد.

یکی دیگر از ضروریات سیستم دوم، تهیه فهرست خاصی از جرایم است. قانون گذار آلمان، پس از اصلاحات قانون جزایی در اواسط دهه نود، انجام آزمایش

بدون نیاز به رضایت فرد مظنون را مجاز شمرده است. مطابق مقررات مذکور، مقام قضایی می‌تواند با دستور قضایی اما فقط برای جرایم مستوجب مجازات هشت سال زندان یا بیشتر، مجوز انجام آزمایش را صادر کند. همچنین در موارد خاصی مانند تجاوز جنسی و صدمات بدنی خطرناک، حتی زمانی که به محکومیت حبس کمتر از شش سال می‌انجامد، آزمایش قابل انجام است. چنین استنباط می‌شود که جرایم خاصی وجود دارند که تکرار در آنها بیشتر است، بنابراین مداخلات و بازرسی های بدنی بعد از دوران حبس توجیه دارد، حتی در مواردی که انجام آزمایش برای بررسی جرم مورد نظر ضروری نباشد. در رویکرد جرم شناسانه صحیح، فهرستی از چنین جرایمی ولی نه بر مبنای سنوات حبس باید فراهم شود. این دیدگاه که جرم با مدت حبس طولانی‌تر، تکرارپذیری بیشتری دارد همیشه درست نیست برای مثال، تکرار جرم در جرایم علیه آزادی جنسی نسبت به جرایم علیه حیات بسیار شایع‌تر است.

یکی از موانع بر سر راه سیستم دوم این است که شاخص‌های عینی متعددی متناسب با اصول مختلف قضایی وجود دارد. برهان قاطع بین حق آزادی و مفید فایده بودن تحقیقات، ما را وادار به در نظر گرفتن احتمال سیستم سومی می‌کند که دقیقاً نمی‌توان آن را یک بانک اطلاعاتی نامید.

دلیل نیاز به یک بانک اطلاعاتی که باید منحصراً حاوی نمونه‌های به دست آمده از افراد بازداشت شده در ارتباط با جرایم خاصی با درجه بالای تکرارپذیری باشد. امکان شناسایی متخلفان جرایم آینده را فراهم می‌کند. آشکار است که مجرمان جرایمی که تکرار در آنها شایع است ممکن است دوباره مرتکب آن جرایم شوند و معمولاً این بیشتر محتمل است که زندانیان به هنگام گذراندن دوران حبس و حتی قبل از اولین بازداشت، ممکن است بارها مرتکب آن جرایم شده باشند. بنابراین منطقی‌تر به نظر می‌رسد که این روش به صورت اجباری انجام شود. این کار حتی ممکن است مجرمان را از تکرار دوباره جرم منصرف کند.

اکثر قانون گذاران اروپایی مثل آلمان، هلند و اتریش به وضوح این سیستم را مورد توجه قرار داده‌اند. سیستم انگلستان جامع‌تر و حاوی درصد بیشتری از

جمعیت است. یکی دیگر از سؤالات اصلی که سیستم دوم با آن مواجه است، مشخص کردن مدت زمانی است که اطلاعات به دست آمده از صحنه‌های جرم (قبل از معدوم کردن) باید در دسترس نظام قضایی بمانند. مقام مسئول تصمیم می‌گیرد که آیا مرور زمان کیفری از زمان ارتکاب جرم یا حتی از زمان اجرای مجازات حاصل شده است. یا خیر و آیا جامعه علاقه‌ای به این جرم خاص دارد. هنگامی که مرور زمان حاصل شد، جرم انجام شده مجازات ندارد حتی اگر مرتکب آن پیدا شود؛ بنابراین معدوم کردن مدارک موجود در بانک اطلاعاتی منطقی به نظر می‌رسد، زیرا جرمی که این مدارک به خاطر آن جمع آوری شده بود، از نظر تعقیب قضایی و جنبه کیفری شامل مرور زمان شده است، ولی هر چه جرم جدی‌تر یا مجازات آن شدیدتر باشد، مدت زمان نگهداری آنالیزها نیز بیشتر می‌شود. معدوم کردن آنالیزهای افرادی که دوران حبس آنها به خاطر اتمام دوران یا ناشی از عفو به پایان رسیده است، نیز باید در نظر گرفته شود. در چنین مواردی نیز سیستم باید برای محو اطلاعات مذکور منطقی عمل کند. در برخی از قوانین اروپایی معدوم کردن آنالیزها بدون توجه به شاخص‌های لازم یا انقضای مدت انجام می‌شود.

به هر حال در برخی از موارد یک مدت زمان عینی مشخص می‌شود پس از فرارسیدن آن، این آنالیزها از بانک اطلاعاتی حذف خواهد شد.

قانون گذار آلمان معدوم کردن چنین آنالیزهایی را بعد از یک دوره زمانی سی ساله یا در مورد مدارک به دست آمده از صحنه‌های جرم بعد از ۱۸ سال تجویز کرده است. معدوم کردن اطلاعات به دنبال مطابقت نداشتن تحلیل‌های DNA یک فرد مشکوک با شواهد به دست آمده و در مواردی با تبرئه شدن فرد مشکوک علی‌رغم همسان بودن DNA نیز انجام می‌شود. حذف چنین نمونه‌هایی در تمامی موارد قابل توجه است و بنابراین بانک اطلاعاتی فقط باید حاوی اطلاعات افراد این سه گروه باشد:

- نمونه‌های افراد مرتبط با تحقیقات قضایی؛
- نمونه‌های افراد زندانی که هنوز دوران محکومیتشان خاتمه نیافته است؛

- مدارک به دست آمده از صحنه های جرم که هنوز شامل مرور زمان نشده است.

به هر حال می توان از این نیز فراتر رفت. اگر ما مدرکی در صحنه جرم پیدا کنیم و بخواهیم آن را با بانک اطلاعات فراهم شده به نحوی که توضیح داده شد مطابقت دهیم و کشف کنیم که مدرک یافت شده با یکی از آنالیزهای موجود در این بانک مطابقت دارد، جنبه های اخلاقی آن مدرک باید مورد بررسی و سنجش قرار گیرد. به عبارت دیگر، قبل از اخذ نمونه اولیه، فرد مورد نظر برای انجام آنالیز باید از اتهام انتسابی مطلع شود و با جرم مورد بررسی ارتباط نزدیکی داشته باشد. اگر فرد برای انجام آزمایش رضایت نداشته باشد باید تصمیم قضایی اتخاذ شود. اینها مناقشات اصلی هستند که توسط مدافعان سیستم سوم مطرح می کنند و مبنای آنها طبق آن چیزی که نظریه پردازان می نامند، استفاده نکردن از یافته های تصادفی است.

ج) سیستمی بر مبنای تحلیل اختصاصی مورد و نمونه گیری از فرد خاصی که به میزان زیادی با جرم موضوع تحقیق مشخص شده ارتباط دارد و مقایسه با مدارک جمع آوری شده در بررسی های مربوط به همان مورد خاص.

توسعه ابزارهای پلیس در حوزه تشخیص هویت و نیز پیشگیری با هدف جمع آوری مشخصات ژنتیکی افراد، به انباشته شدن اطلاعات ژنتیکی رو به افزایشی از جمعیت در فایل های پلیسی خواهد انجامید. اگر این درست باشد که افراد مورد نظر می توانند تقاضای معدوم کردن مدارک را داشته باشند، پس باید گفت که بزرگ ترین حفاظت، ثبت نکردن چنین اطلاعاتی در بانک اطلاعاتی است. با این حال اگر این مطلب صحیح باشد که توجیه این مخفی کاری ها به دلیل اطلاعات پزشکی نهفته در این آنالیزهاست، تشخیص هویت می تواند بدون آنالیز چنین اطلاعاتی نیز انجام شود.

در سیستم سوم نیز، آزادی فردی به میزان بسیار ناچیزی مورد تعدی قرار گرفته که در آن فرد به زور وادار به انجام آزمایش شده است، آن هم فقط در مواردی که

دلایل روشن و کافی به نفع وجود یک ارتباط نزدیک بین فرد و جرم روی داده وجود داشته باشد. در اصل، این سیستم می تواند به این دلیل از سوی جامعه پذیرفته نشود که تأثیر زیادی بر کنترل متخلفان ندارد. با این همه، اینها، این تنها امکان موجود برای کشورهایی است که هیچ قانونی در زمینه ایجاد بانک های اطلاعاتی ندارند.

با این همه، اگر هیچ قانونی در ارتباط با اجبار در زمینه امحای این نمونه ها و نتایج آنها وجود نداشته باشد، آزمایشگاه های مجاز انجام این نوع آزمایشها، نتایج را نگهداری خواهند کرد و اگر این نوع تحلیلها در یک بانک اطلاعاتی مورد استفاده قرار نگیرند، برای مقاصد دیگری به جز آنچه که به خاطر آن انجام شده اند، به کار نخواهند آمد. لذا قوانین خاصی به هنگام ایجاد بانک های اطلاعاتی DNA مورد نیاز است. در غیاب قوانین خاص، ایجاد بانک اطلاعاتی DNA به دلیل نادیده گرفتن قوانین مرتبط با حقوق فردی و شهروندی، توجیهی ندارد.

۶) نتیجه گیری و پیشنهاد

شاخص هایی که بر مبنای آنها باید تصمیم گرفته شود کدام یک از سیستمها مناسب ترین انتخاب است بر اساس آن چیزی است که نظریه پردازان آلمانی آن را اصل تناسب در صرف نظر کردن نامیده اند. طبق این اصل، دلایل له و علیه متهم باید با هم قیاس و سنجیده و سپس تحلیل شوند که آیا تناسب دارد حقوق اساسی شخص به خاطر منافع عظیم تر جامعه محدود شود. دادگاه عالی اسپانیا، اصل تناسب را انتخاب کرده است، زیرا هر مداخله جسمی در مواقع لازم، بجا، ضروری و متناسب است.

نتیجه پنجم قطعنامه بین المللی بیلباتو نیز به این اصل تناسب استناد کرده و ذکر کرده است که فناوری های DNA به کار گرفته شده در تشخیص هویت باید محدود به موارد خاص شود، زیرا هر مورد خاص می تواند اطلاعاتی بیشتر از حد مورد نیاز تأمین کند.

آشکار است که سیستم دوم مناسب ترین سیستم و متناسب با حقوق شهروندی است و بنابراین باید آن را به عنوان کاربردی ترین انتخاب در نظر بگیریم. حقوق شهروندان در این سیستم مورد تعدی قرار نمی گیرد تا بخواهند به استناد آنها مانع انجام آزمایش های مدرک یابی شوند. همچنین سیستم سوم انتخاب مناسبی به نظر نمی رسد، زیرا می تواند مانع انجام تحقیقات مؤثر جنایی شود.

البته به هنگام تنظیم قواعد سیستم دوم، نکات زیر باید در نظر گرفته شود:

۱. تحلیل ها همیشه باید فقط در نواحی غیرکد کننده انجام شوند که

هیچ نوع اطلاعات فنوتیپی (قابل تشخیص بالینی یا آزمایشگاهی)

را در خود ندارند و بنابراین اطلاعاتی در مورد مشکلات طبی

فراهم نمی کنند. بانک اطلاعاتی باید در مورد فهرستی از جرایم

خاص ایجاد شود. شرایط انتخاب جرایم باید نه تنها بر حسب

میزان جدی بودن آن جرم خاص بلکه در درجه اول باید بر

اساس مطالعات جرم شناسی در مورد تکرارپذیری و میزان

مجازات آن جرم خاص باشد. این موضوع به وضوح می تواند

توجیهی برای استفاده از بانک اطلاعاتی باشد.

۲. انجام اجباری آزمایش ها باید متناسب با دلایل انتساب اتهام در

نظر گرفته شود، یعنی دلایل منطقی که فرد را با ارتکاب آن جرم

مرتبط می کند وجود داشته باشد. این دلایل باید ازسوی مقام

قضایی صالحی که در نهایت می تواند دستور قضایی مبنی بر

اجبار فرد به انجام آزمایش ها را صادر کند، ارزیابی شود.

۳. همان طور که در بالا بیان شد، بانک اطلاعاتی باید حاوی مدارک

یافت شده در صحنه های جرم (مربوط به افراد ناشناس) و در

مورد افراد جدید و بدون سابقه در پلیس در مواردی باشد که

انجام آزمایش ها، طبق بررسی های جنایی انجام شده ضرورت

دارد. همچنین شامل نمونه های افرادی باشد که به موجب آرای

قطعی محاکم، محکوم به جرایم مندرج در فهرست شده اند.

معدوم کردن اطلاعات باید زمانی صورت گیرد که بتوان گفت جرم مشمول مرور زمان شده است. مدت زمان توقیف و نگهداری تحلیل‌ها می‌تواند متفاوت باشد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود که نباید دقیقا تعداد سال‌های نگهداری تحلیل‌ها در تمام موارد یکسان باشد، بلکه بهتر است پس از مرور سوابق قبلی موجود در اداره پلیس در مورد هر فرد بازداشت شده، این زمان تعیین شود. در مورد نمونه‌های ناشناس و بدون سوابق پیشین در اداره پلیس، معدوم کردن اطلاعات زمانی باید صورت گیرد که بتوان گفت جرم شامل مرور زمان شده است. در همه موارد پس از حصول نتیجه کار یا انقضای مدت زمان تعیین شده قانونی، مقام صالح قضایی باید دستور امحای اطلاعات را به آزمایشگاه مربوط بدهد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پس از تجزیه و تحلیل قوانین مربوط، امکان تبادل اطلاعات در سطح بین‌المللی با ایجاد یک بانک اطلاعاتی فراملی در نظر گرفته شود.

منابع

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۰). آیین دادرسی کیفری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۵). آیین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات سمت.
۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۴. خمینی، روح‌ا... (۱۳۶۱). صحیفه نور، ج ۱۷. تهران: انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.
۵. چالرز، سوانسون - نیل سی چاملین لئونارد تری تو (۱۳۸۱). تحقیقات جنایی، ج ۲. ترجمه مهدی نجابتی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیک، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبایی.

۶. رضایی پور، آرزو (۱۳۸۷). مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، ج ۳. تهران انتشارات سپهر ادب.
۷. زینال پور، زین العابدین (۱۳۸۵). مجموعه مقالات همایش علمی - پژوهشی حقوق شهروندی، ج اول. تهران: معاونت آموزش قوه قضائیه.
۸. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳. تهران: گنج دانش.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
۱۱. کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۸۵). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. شرکت سهامی انتشار.
۱۲. مصطفی زاده، ضمیمه (۱۳۸۵). شناخت و بررسی حق خلوت. مجموعه مقالات بزرگداشت هفته قوه قضائیه .
۱۳. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶م.
۱۴. نجابتی، مهدی (۱۳۸۷). پلیس علمی، ج ۹. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۵. نظام نامه رفتار ضابطین دادگستری ۱۹۷۹م مجمع عمومی سازمان ملل متحد.